گذشته، چراغ راه آینده

سید محمود ابطحی - رئیس هیئت‌امنای انجمن پسته ایران

صنعت پسته ایران به‌طور مداوم با چالش‌های جدی در بخش تولید، عرضه و صادرات روبرو است. علاوه بر تعهد ارزی که طی چند سال اخیر صادرات و حضور صادرکنندگان پسته ایران را در بازار جهانی با مشکل مواجه کرده است، اخیراً شرکت‌های خودروساز نیز پا به عرصه صادرات پسته نهاده‌اند؛ عدم داشتن تخصص در زمینه صادرات پسته و همچنین صرف توجه به سود انحصاری توسط این شرکت‌ها مسائلی را در صادرات پسته ایران ایجاد کرده است. پیرو این موضوع به سراغ سید محمود ابطحی رئیس هیئت‌امنای انجمن پسته ایران رفتیم تا نظر وی را در این باره جویا شویم. آنچه در ادامه می‌خوانید صحبت‌های مطرح شده از جانب ایشان است



اقتصاد می‌گوید آدمی دائم در حال مبادله‌کردن است و در مبادلات هم دائم به‌دنبال حداکثرکردن سود خودش است. قیمت را نیز عرضه و تقاضا تعیین می‌کند و ثابت نیست. در حال حاضر پسته دارد توسط خودروسازها صادر می‌شود و پولش هم از طریق خودرو بر می‌گردد.

پیش‌ازاین، طی سه دوره تاریخی این شیوه مبادلات و صادرات تعهدی در تاریخ تجارت ایران تکرار شده است.

تاریخچه سابقه این مدل صادرات به دوران رضاشاه برمی‌گردد.

در زمان رضاشاه وقتی علی‌اکبر داور وزیر مالیه بود، برای تأمین تجهیزات و وسایل موردنیاز ساخت راه‌آهن و کارخانجات دولت نیاز به ارز داشت و چون نفت هم صادر نمی‌شد دولت در مضیقه ارزی بود. صادرکنندگان موظف شدند ارز حاصل از صادرات خود را به دولت تحویل دهند، به دلیل این محدودیت صادرات متوقف شد. صادرکنندگان طی مذاکره با دولت توانستند اجازه واردات کالاهای خاص در برابر صادرات را از دولت بگیرند و درنتیجه تجارت رونق یافت. به‌نحوی‌که در برابر صادرات پنبه، چوب، برنج، جو، قالی، خشکبار، خاویار، طلا، نقره و... از ایران، تجهیزات صنعتی و ماشین‌آلات به ایران وارد می‌شد. در برابر صادرات پسته اولین کالایی که مجوز واردات گرفت چراغ بادی (فانوس) بود.

این روند باعث رونق صادرات گردید. در این دوره در ازای میزان صادرات گواهی "تصدیق صدور" صادر می‌شد و در ابتدا قرار بود صادرکننده معادل ارز حاصل از صادرات، خودش کالا وارد کند. اما بعدها اجازه داده شد تا گواهی تصدیق صدور را به دیگری برای واردات کالا واگذار نماید؛ برگه‌های تصدیق صدور در بازار معامله می‌شدند.

در دوره مصدق و با بحث ملی کردن صنعت نفت تحریم آغاز شد؛ دولت دچار مضیقه ارزی شد و سیاست‌های ارزی اتخاذ شده در این زمان برای رفع این مضیقه بوده‌است. این بار به صادرکننده در برابر صدور کالا برگه‌ای به‌نام "گواهینامه ارزی" می‌دادند که صادرکننده می‌توانست با آن کالا وارد کند. کالاهای صادراتی دسته‌بندی شدند و در ازای صادرات هر دسته کالا، تنها یکسری کالای خاص مجوز واردات می‌گرفت؛ با این راهکار مجدداً صادرات رونق گرفت. در وهله اول هر صادرکننده خودش باید واردات را انجام می‌داد؛ اما بعد به او اجازه داده شد تا گواهینامه ارزی خود را به شخص دیگری واگذار کند تا برای ورود کالا اقدام کند.

بعد از انقلاب مسئله بحث تعهد ارزی به‌طورجدی پیگیری شد؛ صحبت این بود که با تبدیل پول به پسته و صادرکردن آن، ارز از مملکت خارج می‌شود و باید تعهد بدهید که ارز حاصل از صادرات را به کشور برگردانید.

بنابراین علاوه بر خروج سرمایه، مضیقه ارزی دولت به دلیل جنگ و کاهش صادرات نفت در این برهه زمانی مسئله را بغرنج‌تر کرد و دولت صادرکننده را متعهد به برگرداندن ارز حاصل از صادرات کرد که باز منجر به توقف صادرات گردید. مجدداً مذاکرات انجام شد و این‌بار اجازه دادند در ازای صادرات، کالایی خاص وارد کنند؛ خاطرم هست که اولین کالایی که در ازای صادرات پسته اجازه دادند که وارد شود اسپرم گاو بود.

پس از آن گفتند شما که می‌خواهید پسته صادر کنید از قبل اعلام نمایید که در ازای یک تن پسته چه کالایی را وارد می‌کنید؛ مثلاً وانت، تراکتور و.... البته مجاز به واردکردن صرفاً کالاهای خاصی بودیم.

در مرحله بعد گفتند باید تعهد بدهید که ارز حاصل از صادرات را وارد کنید که عدد آن توسط دولت تعیین می‌شد؛ علاوه‌برآن برای کالای وارداتی هم باید پیش‌فاکتور ارائه می‌دادیم یعنی واردکردن مثلاً وانت به ارزش ۳ هزار دلار در ازای صادرات یک تن پسته به ارزش ۳ هزار دلار؛ مثل همین الان که در اظهارنامه می‌گویید من یک کیلو پسته فندقی ۳۲ دانه می‌خواهم صادر کنم در ازای آن ۸ دلار برگردانم، در آن دوره هم تعهد ارزی بر اساس اظهاری بود که در گمرک ثبت می‌شد. نرخ کالا توسط گمرک و بالا تعیین می‌شد تا صادرکننده نتواند تقلب کند؛ مثلا کالایی که می خواهد وارد کند را به قیمت ۲ هزار دلار خریده و یک پیش فاکتور ۳ هزار دلاری بیاورد به‌همین دلیل در وزارت بازرگانی مراکزی تشکیل شد تا صحت و درستی پیش فاکتور را بررسی کنند.

سرما و یخبندان نابهنگام در اردیبهشت سال ۱۳۵۸ خسارت سنگینی به محصول آن سال و سال بعد زد به‌طوریکه طی آن دو سال میزان تولید پسته ایران بسیار کم شد. میزان عرضه کم پسته در بازار موجب شد قیمت آن بسیار بالا برود مثلا از تنی سه هزار و سه هزار و پانصد دلار به تنی هشت هزار دلار (برای همان دو سال) صعود کرد؛ در آن‌زمان هنوز امریکایی‌ها پا به عرصه تولید پسته نگذاشته بودند. دولت نیز میزان تعهد ارزی را بر مبنای همان ۸ هزار دلار تعیین کرد و علی‌رغم اینکه قیمت پسته پس از آن دو سال پایین آمده و به همان ۳ هزار و ۳ هزار و ۵۰۰ دلار رسید، اما تعهد ارزی بالا ماند، علت را می‌توان مسئله خروج سرمایه، نیاز ارزی و جنگ عنوان نمود. تا مدتها سخت‌گیری‌ها برای کالای وارداتی بسیار زیاد بود و تنها مجوز واردات برای چند کالای خاص مانند خودرو، تراکتور، روغن و... داده می‌شد. مثلاً به تعاونی پسته مجوز واردات وانت، روغن و برخی قطعات خودرو را داده بودند تا تعهد ارزی خود را با واردکردن این کالاها رفع کند. در این زمان هم برگه‌ای به نام "واریزنامه" به صادرکننده داده

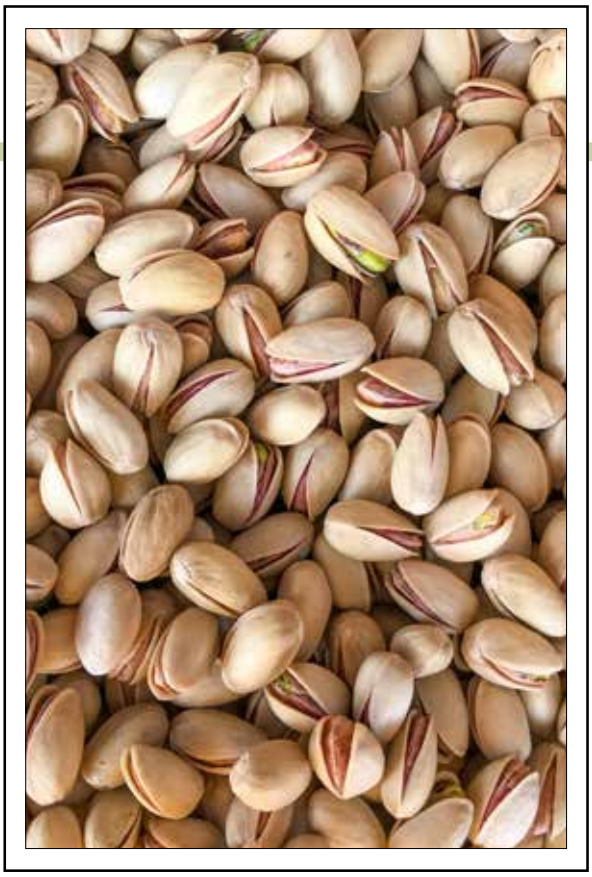
می‌شـد و صادرکننـده می‌توانسـت معادل مقـدار ارز تعهد شـده در واریزنامـه کالا وارد کـرده و یـا واریزنامه را به واردکننـده دیگر واگذار نمایـد. ایـن برگه واریزنامه در آن زمان بسیار ارزشـمند شـد. یکی از کالاهـایی هـم که آنموقع می شـد وارد کنیم همیـن واردات خودرو به‌صـورت CKD (مونتـاژ در مقصـد) بـود؛ تعـاونی پسـته در ازای ارز صـادراتی پسـته، بـرای خودروسـازها به‌صـورت CKD خـودرو وارد کـرده و پیمـان ارزی خود را باطل می‌کرد. خودروسـازها در صادرات پسـته و واردات خودرو دخل و تصرفی نداشـتند و کالای پسـته به اسـم تعـاونی صـادر می‌شـد و بـا CKD وارداتی تعهـد ارزی تعـاونی باطـل می‌شـد. در ایـن روال گاهی تعـاونی نقدینـگی بـرای خریـد پسـته کـم داشـته و ارز حاصـل از صادرات خـود را به خودروسـازها پیش‌فـروش می‌کرد.

تـا مـدتی تعهـد ارزی وجـود داشـت، بعـداً در زمـان سید محسـن نوربخـش رئیـس‌کل بانک مرکزی ایـران، در دوره ریاسـت‌جمهوری سیـد محمـد خاتـمی، تعهـد ارزی برداشـته شـد. صادرکننـدگان می‌توانسـتند ارز حاصـل از صـادرات خود را بـدون هیچ محدودیتی بـه فـروش رسـانده و یـا کالا وارد کنند.

در سـال‌های اخیـر مجـدداً بـاز بحث تعهـد ارزی گریبان‌گیـر تجـار شـده اسـت و بایـد ارز کالای صادرشـده را برگردانـند و ایـن محدودیـت باعـث به‌وجودآمـدن کارت‌هـای اجـاره‌ای و یک‌بارمصـرف شـد کـه خـود این سیاسـت عواقـبی را بـه دنبال داشـت و مشـکلات عدیـده‌ای را پدیـد آورد.

طی چندماهـه اخیـر نیـز دولـت یـک رانـتی را برای شـرکت‌های خودروسـاز ایجاد کرده اسـت و آن هم این اسـت که مجوز صادرات کالا در مقابـل واردات به آنها داده شـده اسـت؛ این شـرکت‌ها چون کالای وارداتی انحصـاری دارنـد و همچنین دستشـان در واردات باز اسـت سـود اصلـی خـود را بـر واردات قـرار داده و حـتی حاضرند با ضـرر کالای صـادراتی را واگذار نمایند. برای این شـرکت‌ها سـرعت کار حائز اهمیت اسـت که هرچه سـریع‌تر کالای صادراتی را به دلار تبدیـل کـرده و با آن کالای وارداتی اصلی را وارد کنند و چون کالای وارداتی (خودرو) انحصاری در اختیار خودشـان اسـت و می‌توانند آن را با قیمت بالا و سـود زیاد بفروشـند، ضرر و زیان در مرحله فروش کالای صـادراتی در جـای دیگر قابل‌جبران اسـت.

عامـل مهـم و کمک‌کننـده به این شـرکت‌ها قیمـت پایه گمرکی بـالا و غیرواقـعی پسـته در گمرک اسـت؛ دولت با این سیاسـت که ارزش صـادرات را بـالا نشـان دهـد قیمـتی کـه در اظهارنامـه ثبت می‌شـود را بالاتـر از قیمـت واقعی ثبـت می‌کنـد. به‌عنوان‌مثال برای پسـته فنـدقی ۳۲-۳۰ ایـن قیمـت حـدود ۸ دلار اسـت کـه همـه



می‌دانیـم در هیـچ بـازاری بـه این قیمـت خریدار نـدارد. ایـن مورد هـم بـه شـرکت‌های خودروسـاز کمک کـرده اسـت و دسـت آن‌ها بـرای کالای وارداتی بازتر شـده اسـت.

اقتصـاد می‌گویـد آدمی دائـم در حال مبادله‌کردن اسـت و در مبادلات هـم دائـم به‌دنبـال حداکثرکـردن سـود خـودش اسـت. قیمـت را نیز عرضـه و تقاضـا تعییـن می‌کنـد و ثابت نیسـت. در حال حاضر پسـته دارد توسـط خودروسـازها صادر می‌شـود و پولش هـم از طریق خودرو بـر می‌گـردد. آنچه مسـلم اسـت این اسـت کـه در جهـت رونق‌یافتن صـادرات و برون‌رفـت از چالش‌هـای صادرات باید تعهد ارزی برداشـته شـود؛ دلار تک نرخی شـود؛ هیچ کالایی انحصاری و در اختیار گروهی خـاص نباشـد و همـه بتواننـد کالایی را صـادر کـرده و کالایی را وارد کننـد؛ قیمـت پایـه گمـرکی باید واقـعی شـود. صادرکننده بتوانـد ارز خـود را در اختیـار واردکننده قرار دهد نه اینکه صرفاً خـودش کالا وارد کنـد. همـه می‌دانیـم که بـا کارت یکبار مصـرف ارز صادرات به کشـور بـر نمی‌گـردد؛ امـا در ایـن حالـت برمی‌گـردد. گرفتـاری مـا به‌واسـطه سیاسـت‌های غلـط دولـت اسـت. نباید قشـر خـاص و گروه خـاصی را متهـم کنیـم بایـد حرفـها و رفتارهـای عوامانـه را کنار نهیـم و قوانین و مقـررات دسـتوپاگیر را اصلاح کنیم.یادمـان باشـد در اظهارنظرمـان ایـن موضـوع را مدنظـر قرار دهیـم که اظهارنظرها نبایسـتی در عرضه و تقاضـای پسـته خللـی ایجـاد کنـد؛ تأکیـد می‌کنـم در مقاطـعی کـه در بـازار نیسـتیم در همـان روزهـا عـملاً بـازار را از دسـت داده‌ایم.